



روشنگری دینی داریم، اما...

میزگرد روشنگری دینی با حضور دکتر عبدالحسین خسروپناه و دکتر تقی آزاد ارمکی

گرستن اصلی و مشترک مطற شد به عنوان مثل ملک خان و آخوندزه، و اسمازایی و خیر آبرشت لسلی مشترک که اندیشه مشترک اول اینکه هجر اسلامان گرفتار غصه‌گشایی و تعلطاط شده‌اند.^{۱۰} پس اینها وضع موجوده را مطلع بودند و بعدها کشش علت نابلسانی آن بودند، پرسش دوام این بود که جراحته بین دین و دینی خوب است علم جدید عذر جدید تظامها و مکاتب فکری جدید چیست؟^{۱۱} ایا دینی مانند للامه‌رام این توافق با اندیشه جدید و دینی معرفتیه جمیع کردی‌با خیرگاه از نظر من پرسش از ربطه علم و دین پرسشی جدی و حیاتی در دینی معاصر است و باشد چه جدیت دنبال شود و هنوز نمی‌توان اینها کرد که این پرسش گفته شده است. در پایان این پرسش روشنگران در چنان مسلمان به اگر کرو و روشنگران سکولار و «دینی» تئوسم شدن از نظر روشنگران سکولار، علی‌التعلیط مسلمان، دینلری الهافت و چنانچه دین و جدیتی به حاشیه بود و عتل گواری غربی مورد توجه پیشتر قرار گرفت در مورد بررسی تعلیط و عنت‌گذاری مسلمانان مقاومت کرد در پیراهن صورت این عقیده‌گذاری جریان ناپایی خواهد بود. در پیش‌سپال دوم این گروه معتقد بودند که حکومت‌گذار و دینی جدید قابل جمع نبسته و پویک از این اکثریت را باید اختبار کرد که این نظر ایشان دینی جدید، گزنه قابل ابول نرود. روشنگران دینی در پیراهن اول عمل نکردن به دین و آمزش‌های دینی بر از عراض تعلط این داشتند و در پیراهن پرسش دوم معتقد به جمع دین و دینی جدید بودند. ایشان می‌دانند دین و عتل جدید و مکاتب جدید از قاعده‌گذاری مخفیانی مخالفند، که برای این انسجام مطற کردن موجب ضعیج گوئی‌های مخفیانی از روشنگرانی دینی شده بهترین این نظر و من مایه‌که گونه روشنگرانی دینی نلزام پذیرکاری‌های دینی طلبیم من آنکه مصلح روشنگرانی دینی باز زمان متروکه است نه پیرز-را ذکر کنم.

۱- دکتر عبدالحسین خسرو پیام
پست پندت در تهره پاسخ به این سوال
روشنگری دینی و ارشنگری
گلملیک به براحتی و شنیدن سه پست پایده روش
تو جمیعت

۲- در کشوری مثل ایران چه
مختلط اجتماعی و دینی ممکن جزوی
جزیره است گرفته، جزیره جدیدتر
تصوف گردی و جزوی روشگری وجود
آن جزوی هم ممکن است در برخی و چند
مولفه هامشتر گذشتند از جو تابعی
۳- پرسش از روشنگری گذشتند
بعضیه جزیره و نهاد اجتماعی موردنظر
می گردند و گاهی همچنان جزوی دین
دین شناسی، توجههای نکته که محقق کرد
وازانی کار خود فتح خواهد کرد اما
دانشمندی اینجا روکرده این با توجه به حوزه
خدمه و نکردن زیوه است
آبرو شستگری اصولاً جوی خوبی
به پیش از آن در کشورهای اسلامی همان
حوزون سایر مفاهمها و مناطقی به من
واردش نگرسته شود و نهایتاً برای
بدینه لازم است که پک مانند جزیره دین
خرب و هر این مطلعه شود توجه این
هیچ گروهی از فلاسفه فرقه
روشنگری و اشکل دانند و این جزیره
اکستان و آمریکا و مستمرهای افغانستان
تو سه پیش از پیدا کرده باشند از چندین نکته که
جزیره نهضت روشنگری در فراسه اند
جزیره روشنگری بر این پایه بود که طبق
دستگاهی است که به صورت مکانیکی
من گند و اگر هم فراغاتی داشته باشد
نقش تبدیل گشته باشد

۴- روشنگری و نقشه قمی خوبیان بردا
به بین گذشتگری غیر اسلامی به روشنگری
و دینی و روشنگری مکولا و خود به رو
موسیٰ استی و روشنگری ایرانیست نق
۵- سایر و گذشتگری به که
اسلام پیغمبر می گذشتند مغلوب روش

که هیزرس کشی کس خواهد درد
و روش فکری و تعلق گرایی بحث کنند
نمایم جو می کنند و آن را همچنان زنده
نمایند

تنه که اقلاب اسلامی در این مبارزات
بین در منطقه و چنان رعایت داشت مارا
کی میان آن بامیریت و چنان روش فکری
نمی داشتند و این مistrust می سوان
بر این طبقه باز شفکتی را در تعیین
لذات جستجو کرد و این مistrust به نام
ب اسلامی و ملتیت و ابروسی کرد از تغیر
روشنگری از مکان اسلامی افرادی
نمایند به این معنا که این حرکت متوجه
جزیه ای می نمایند این پولی اول و پهلوی
نمایند از نظر من اقلاب اسلامی فریادی
که بینند چهل دهی لاری و چهل میون
بلیل دهی گردد و بین دهی لاری و
پهلوی که کلان سلطان هستند و پیشنهاد
شفکری دهی است از این منظر اقلاب
محصول تلاش آنها هستند و
روشنگری اینها جایگزینی است

ما این مبارزه ب اقلاب اسلامی بخوبی
نماییم اینکی می توان پایخ برخاسته باشی
بعض استاذان منظر می نمایند اینکه د
نگران دهیم می تواند از این بوجوی باشد
غفل گرایاند؟ روشنگری دهی می تواند
باید؟ اصولاً روشنگری دهی می تواند
حقیق مجموعه ای اصلی بر تملی برزی
که از مایل به دست انتشارات اینجا می
باشد

آن این ملاقات و مبارزات بهار احمدیه آن
که بسیار در جلوه می گذارد بحث
تنه

نظر جو این اقلاب اسلامی صرفاً محصول
دینی است بررسی صدق و کذب این
معتقد است

بیشتر اینکه یکسی از بزرگی های عده
روشنگری ایجاد نماید و شی بزرگتر
موجود است

روشنگری دینی به دلیل از بساط و انتساب
آن با مقام امیسی چون نمرت و دین، هنوز یعنی
زنده است. قب و تاب های سیاسی و تدبیکی
حصاره در تبریز خودود و تبریز بین بعثت دخالت
داشته است و آرا و نظرات در این پاره هماره از
گنرهای سیاسی، اجتماعی، دینی و حتى
روانی موافقان و مخالفان عبور می کرده است.
نوشته حاضر گفت و گویی دو تن از صاحب نظران
در این پاره است که در سال گذشته در داشتگاه
تربیت مدرس انجام شده است.

III

دفتر نقی آزادارمکی: چالش های پرونی
روشنگری دینی
لایا چالش های روش نگری در ایران ۲ گونه
است: چالش های راستین و چالش های سلطنتی
و پژوهشین به عنوان مورد دلیل و پایه چالش دارند. به
روشنگری ای لسلی های پاره روش نگری از مردم است
مشخص شود که تمام چالش و چشم لمسی و
مسئلی به واقعیتی به نظر چو روشنگری دینی در
ایران ایست از نظر من طرح آنکه «ایران روشنگری
دینی یک فسر توهمی و تخيیل است با خیر؟»
پیش از آنکه مارابه فهم چو چنان روشنگری دینی و
تحول از اخلاقی ایران بر میگذرد و جانشکل گیری
منطقه ای بیان دین فرمایند که «ایران اسلام اور زمان
معاصر روزی است که کمی با خیر؟» اغراصم من گذاشت که
فرصتی هم بخوبی نکردند و آن اسلام از این
ذر مواد رفته و فرداش هایی که در این عرصه حق
شده است مخالفت به مجموعی اید

به عضدهم میگذرد فهم چو این روشنگری دینی
در ایران و مردم حال فهم ملاقاته نهایات و
نیازی های آن بخوبی میست مردم همان سلسل ایرانی
است که بر اسلام آن انقلاب و اسلامک دلداده چراکه
انقلاب ایران اقلاقی دینی است و اگر به این تجزیه
ذرت میگردیم بخشتی یک همیاری میگذرد اسلامی که
مطروحی شود پایه خواهد باقی ماند از این انتساب
ایران خیلی زود کهنه و تاریخ شده است گویی که
ماهور ازان سال از انقلاب اسلامی فاصله گرفتایم و
کشی که میزبانه اسلامی بوده بدل های
میگذرد که این جامعه ایرانی تعلق داشته است

دکتر خسرو بیناد
روشنفکری اصولاً
جزیرانی غربی است
و باید به پیدایش
آن در کشورهای
اسلامی همچون
سایر مقوله‌ها و
مفاهیم، به مثابه
امری وارداتی
نگریسته شود

مرحوم سید جمال الدین
لسلانی از من کوید علمی که
نهایت مدنی تالیف خدمتی آن
است بهشت مورده تاکید قرآن
لیز هست در روایت آنده است
که علم و احتمال کبید حتی
اگر در چیز بشکند در لیجا
سید جمال علم مکمل قرآن
و باعلم نهایت مدنی، متواتر
مدعای گندیده شایر خلاف
می‌دینیں صر که مرتب در
نوشتهای خود پر نهادت این
دو تا کبید کرد و پیکی نداشت
لیهار از خطاطی و روشنگری

گونه دوم روشنکری همی ای است که در اول اخیر
به لایو توی و لایل پهلوی دوم اتفاق افتاد و جانشی
در مقابل ناسیونالیسم افراطی و حمل کشم بوده
آن همان که باز مرکسیسم که کاملاً بین دین و علم
میزین شد از قابل منشد باشی گرفت افراطی که دین
و ملت را متهم می داشت به مقابله پر خلست و
مدح انجام چنان عالمیون بود
گونه سوم روشنکری دوچی ده ۵۰ و ۵۱
است که نایابنده بر جهه آن در وطن اهل مهدنس
بازگشید و بعد از این جریان توسط دکتر شریعتی
پسته داده شدند به پیش این گونه روشنکری همی
روشنکری دین ای اینتلورزی گزین حداکثری بوده
و همان ممتاز که من خواسته تدریس علم و پیغام های
جدیدترین دین به تخریج گذشته ام اینلورزی بکی به
ذرا ناشیسته است و دلایلی برای این دعوی

گونه چهارم روشنگری دینی نده دوم پس از
نقلاً است که فرشتنگری دینی بنشانوی مسیح
وطرف را درین حلقای هست
از نظر من روشنگری دینی آنکه اخیر و ابتد
بیشتر فرشتنگری دینی داشت چراکه
این جریان بدلنویز مسیح است و میں راحظان
قرض می کند از این میکی هرمنویزی کی لوازم
دین را من صلت و ساخت هست از که قنایا
پس از فرشتنگری خودمان آن متون نه بوس شوند
لهم این پسک دین حلقای است نه حدائقی
نانایش از ۱۹۶۰ میلادی این هرمنی است و
نه ذائقی بدلین صفت اکه مختص زبان پیاس و اهل
بیت پرداخت و به مردم روز ماضی خوردهن جهانی
هرمنویزی کی گروشنگری دینی معاصر دارد
در نهایت به روشنگری مسکولار سیر مژده طیت
منتهی خواهد بود
گفته هم که به بیان اینچی متن دین صلت است و
هر کسی با پیش فرض های خود کمال زوماً علمی نیست
و حتی ملیقه های است به تفت بران می برد از اینجا
این درین نگاه مادی گیر و پاک جنیان روشنگری
دینی مواجه نیستم بلکه به تقدیم روشنگران
روشنگری دینی وجود خواهد داشت
در این مساله ارشادگری دینی آنکه اخیر
مذکوم مساله های خودش کن خواهد بود که به
هرچهار چهار دین قابل جمع نیست و بدل این از نظر
روشنگری دینی در تقابل و تضاد با دین است
هر کجا با دین مسکوگانی داشته باشد این را حفظ
می کند و چنانچه ملک از چهار دین روشنگری نمود
دو دین را حذف نمی کند.

پرسش
شور علمی جدید که در تئیجه تعاملات روش‌نگری و نرم‌جامعه روشنگری به وجود آمد است تئیجه قابل است باتهمال و تفاهم؟
کتر آزاد در پشت اسریه شناسی روشنگری و پس‌نمایی، سیاری قلیل از این است به طور کلی آنکه در واپطه باطیعت روشنگری وجود دارد یکی از لینک روشنگری جو انس هاشمی و نیریزشده است که در گذر زمان به نوعی ضعف چار شده و در حق فروشنگری است و اسلام و روشنگری هرچهار معاشر تقریباً تمام شده است من بنیان نگاه موقوف نیستم چنانچه می‌توانم روشنگری پیش از اثبات معرفه به لحاظ استدلالات مسائل منظر

روشنکری دین، پرتوک - چال خود را بود آن
پخواهیم علاحت بوز شوستی و تعلل راهی را با
بیداری اهل مقر و علم صدق تاجیم که هم این را
سپهی از توکسکال من ننم
املاشکل اسلی روشنکری دینی آذمه اخیر
و جمی که منقدبه کترت گرانی دهنی هـ تهاین
اسـ آنـ برـ عـلـاتـ اـنـ اـنـ سـلـیـمـیـسـ وـ عـلـاتـ
تعلیل این بیان است این امداد علاحت های دین
شیوه و علای و جصری جمع نسـ شـودـ مـکـ اـنـ کـهـ
پـکـ فـلـاـ دـیـگـرـ دـسـودـ وـ مـنـهـ کـهـ روـشـکـرـانـ
وـنـ اـخـسـرـ دـنـ اـمـلـقـرـ وـ لـمـ صـلـقـ رـفـانـ
کـرـدـندـهـ اـلـیـ مـنـکـهـ گـفـتـ تـصـامـ فـرـمـایـشـ هـاـ
امـرـعـلـیـ اـعـلـمـیـ وـ تـخـلـیـ وـ فـلـقـیـ اـمـلـقـلـرـ وـ لـمـ
صلـقـ تـاجـیـمـ وـ بـوـتـهـ مـنـ اـسـتـهـ کـوـهـ وـ قـاتـ
دـنـ وـ تـهـماـکـهـ دـنـ وـ مـلـهـ اـرـجـاـ مـنـهـ اـسـتـ

پهلوان سویل اسلام در بحث روش تکریری دینی این
لست که فکر اسلام عقاید پاکیم دین مدنظر است.^{۱۰}
اگر متوجه عقاید و ترتیلی شنیده باشی عقایدش
گستاخندیده بدریت مسنتل لزدی است جیز
عقایدش، فلسفه ایادی اسلامی قدر و اسلام صادق تجمع
می شود کافی لست اخراج ایجاد اسلام رضا^{۱۱} باز ندانده
دهدیه هارا مردم روسی فرقه دینیه
پهلوان پهلویانی تظیر حمل تلقن هم حمل
علیت و پیرویت دیگر، پادن قالی جمع هستند
آن جنون که بوعی فرانی و لاسداون عقایدش را
نمودن اسلام جمیع کردند عقاید پور شوستنی
پادن جمیع شیوه عقاید پور شوستنی
روزانه شنیده می قردو باید به پارسی ای در وظیما

جهان‌نمایی مارکسیستی، و روشگاری فرویدی با
دین اسلام جمعیتی شود.
همان گونه که دکتر آزادلشله
برخند برخی همچون خام هنریک
کوئی "تفاسیر تاریخ" تن از افلاطون
الاسلام را که معتقد که از مغلوب است
شخص تجدید گردی، ناشی شده است
پژوهان یاده بورسیم و کدام عذالت
و کدام دین؟ اگر سوچوکم بهت
گفتم که طبیعتناوار و شفکری دینی
منهم ممتازی است باسته؟ پنهان
و دشن کنیم که کدام روشنگری و
کلم دین منظر ملسته؟ اگر منظور
گروه‌شکری، روشنگری عقل گویی
و تاثیر، تن است، این روشنگری به

<p>و بعدها نیز که مسروت گرفته است و حتی نیروی اسلو، او روش‌نگری پس از قتل‌باز شروع شده است و این «برق فقری» در اینجا می‌شود از طرف دیگران ادعای کفر و شفکتی دارد.</p> <p>فناوری سالم و باری اندیشه خرام کرد و من تو را املی ترین شهادت که در زمانه زندگی مدرن مالی‌زاده نموده باشیم دارد. چنان صحیح به نهاد دنیا که از این اوضاعی که در جهانی می‌شود و بعدها منظر و شفکتی، بکار آوردن شد و تو جزء ما و کلین چالیست که بعدها نیز روشنکر در آن لوح من مدخل انظر من چالش‌های اسلام روشنکری داشتند و در این اتفاقاً من خود موزده شد. روزی من هدیه‌پذیری جانی که مطهری شریعت سید جمال‌الدین اسلام‌آبادی و سروریست لبن‌مله که پیر المائتی نظریه‌داشگاه‌سازی این رقیق اطلاعاتی، حد بربی و اولی شناخته شد و نسخه اولی که چون چشم پنهانی شوندوپوش طریق اعلان بر متاثلت است حر حوزه دین و مدرسه‌پذیر بودند تا منکر دین به اراده داشتگان و در این گزنداده من اسما که نظریه‌دانی و تفسیری که موقوت بر داشتند مثیع از شکل‌گیری چیزی داشتند که می‌توانند پذیری از ظرفمن و روشنکری داشتند و این نظر است و نهی از این اتفاقات بی‌وزنی نداشتند. ماز جایی می‌توانیم از روشنکری دینی به مشخص سخن بگوییم که موالات چهان مدنی و بعثت من گذارد و مورد جالش فراز من دهد بدین مثال مطهری هر کتاب ختم‌نامه اسلامی سرمه‌باری از طرح من گذاشت و عناصر اسلامی</p>	<p>مرحوم «ید-Julian Assange» اسلام‌بازی من گویند علمی که نهایی مدنی نایاب مخدومیت آن است به همین مرد را باید افغان بیز همین مرد را باید آمده است که علم را تحقیق کنید حتی اگر در چین بشکند. ممکن است سینه‌چال علم موکد فرقان و ایام علمی دنبالی مدنی متراقب می‌نماییم گندم‌قیاس برخلاف مددجین صرکه مرتب در نوشته‌های خود بروزگشت این دو گذشتگرده و پیکی داشت گلها را از خطوط اسلامی روشنکری درین می‌داند.</p> <p>گونه دوم، روشنکری دینی ای است که مرد این خبر بهلوی نول و اولان بهلوی خودم افضلی افتاد و جن‌پاچ خر مقابل ناسیونالیسم افریقایی و طرز گرم بوده باشد این من اکه باز این گیم که کالایرانی‌هی و علم می‌زنند شاید قابل من شدی‌پامی گریلی افریقی که دین و ملیت را اسلامی می‌دانند همچنان‌بر خاست و مذهبی اینچه می‌دانند علم و دین بود.</p> <p>گونه سوم، روشنکری دینی ده ۴۰ و ۵۰ است که نایابه برجسته آن مر و هله اول مهندس پایگان بود و مدهالان جریان توسعه دکترین متنی بسیار ماده شده بیهی ماین گونه غریب روشنکری دینی روشنکری دینی این‌بلوژی گرایی مذاکتری بوده و این من اکه من خوب سده معلوم علمی و پذیره‌های</p>
---	---

جدیدر ازین به تخریج کنستگاهی ایندوگانی یکی به
نهاده شدند و دین حداکثری برای آنها داشتند.
گونه چارچوب روشتفکری دینی نده دوم پس از
قلاب افتاد که روشتفکری دینی ایندوگانی میزبانی
و طرفداری دین حداکثری داشت.
از نظر من روشتفکری دینی لاده اخیر را باید
برتر روشتفکری های دینی «دانست» جراحت
آن جوانان ایندوگانی میزبان است و دین را در حقیقی
فرض می کند این مدلک هرمنیکی لامعن
دین را من صلت و ساخت دانسته است که قهایا
پیش فرض های خودمان آن متون قدیم شوئند
لذابین یک دین حداکثری است نه حداکثری
ثابتی از ۱۹۰۰م برآمد این مدعی آن هرچیز لست و
له ذاتی به این معنا که مختص زبان پیغمبر و اهل
بیت پوچلست و به درگیری ملی خود را نهین میانی
هر متونیکی ای که روشتفکری دینی معاصر دارد
در نهایت به روشتفکری سکولار یعنی مشروطیت
منتهی خواهد شد.
گفته شد که این ایندلیست متن دین صلت است و
هر کسی با پیش فرض های خود که از مواعظی نیست
و حتی ملتفقی نداشت به نفع این من می برد از دین
این در این نکالمه مادریگر واپس چیزی روشتفکری
دینی مواجه نمی شد بلکه به خاند روشتفکران
روشنفکری دینی وجود خواهد داشت
در این معتار و روشتفکری دینی لاده اخیر.

روزگرد من هر ایجادی را که در منطقه
دشنه روشنگری دیگر مغلایت است.
من این است که در آینده کام مدل از مفاهیم
کام مدل از دین مدنظر است؟ و اقتصادی بود
این سوال باعث داده چرا که همه مدل‌های متعارض
از مغلایت و همه مدل‌های مختلف از دین متعارض
بودند و سه مدل داشتند من گویید دین بر این
کام مدل است؟ آنچنانست که از اسلام
لهم ساختی^۱ اخوت خاتم پادشاهی که از این نسبت
احمد بن حنبل پادشاهی و قشی^۲ و قشی^۳ من گویید
روشنگری مغلایت است مدنظر من همان
و رالیست است که حکمیان مانع از فرقی^۴ بودند
شیعیان اسرار و ملاصدرا داشتند از این
من خواهند شد که از این نظری و ایده پنهانی
کنند با مغلایت پورتیوی^۵ است؟ غافل
تعلیل زیانی است با مغلایت اکثر شناسان
کام مدل از دین است؟ اگر خواهند بود عاقلاً
اکثر شناسان می‌توانند جمع نسخه‌های این
جمع کنم یا معاشرانم جمع نسخه‌های این
مفهوم متفاوت و خوش کن خواهد بود که به
هر چیزی که این قابل جمع نیست و بنا بر این از نظر
روشنگری دیگر در تقابل و تضاد باشند است
هر کجا با این همسایه ای داشته باشد از این راه
من کند و چنانچه مفهوم از چیزی دین بر این نهاد
دیدند و این فهمی کند.

[بر اینها]
شور عالمی جدید که در تبیجه تفاصلات
روشنگری و در مجامع روشنگری به وجود
آمد است تبیجه تقابل است با تامل و تفکر؟
دکتر آزاد در بحث اسپرنسانی روشنگری
و پنهانی مذکور شد، سپسی قالی لرستانی است به طور
کنی از شاهزاده ولیله باطنیت روشنگری به وجود
دارد و یکی از اینکه روشنگری جزو این همسایه
و تضاد است که در گذر زمان به نوعی ضعف
دچار شده و در این فریادی است اسلام روشنگری
در جهان همان تقریباً تمام شده است من بایان نکند
موافق نیستم چنانچه مفهوم از چیزی دین بر این
مغلایت مترقبه به لحاظ استدلالات مسائل متفاوت